

سیمای تشیع در شعر زلالی خوانساری

مینا عطارزاده¹، دکتر فریدون طهماسبی²

1 دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد شوشتر، ایران.

mina.attarzadeh@yahoo.com

2 استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد شوشتر، ایران.

drftahmasbi@yahoo.com

چکیده

شعر دوره‌ی صفویه سرشار از عناصر شیعی است. دوره‌ی مذکور، عصر پربراری برای مذهب تشیع بود. دیوان شاعران این دوره از نظر فکری نسبت به دوره‌های قبل دچار تغییراتی شده است که از جمله آن‌ها می‌توان تغییرات فکری آن را مد نظر داشت که شاعران با توجه به رسمی شدن مذهب تشیع از عناصر شیعی در شعر خود استفاده کرده‌اند و از آن به عنوان وسیله‌ای در خدمت رواج مذهب تشیع استفاده کرده‌اند تا با سرودن شعر در این زمینه به مذهب تازه رسمی شده‌ی شیعه کمک کنند تا جایگاه خود را در سراسر ایران تثبیت کند. از جمله شعرایی که این وظیفه را به خوبی انجام داده زلالی خوانساری است که در قصاید و ترکیب‌بندها و مثنوی‌های خود به معرفی مذهب تشیع و مدح و مرثیه‌ آئمه اطهار پرداخته است. این تحقیق در صدد است که وضعیت به کارگیری مضامین تشیع در شعر زلالی را بررسی نماید.

واژگان کلیدی: شعر دوره‌ی صفویه - سبک هندی - زلالی خوانساری - تشیع - آئمه اطهار.

Mina, Attarzadeh¹; Feridoon, Tahmasebi²

1Department of literature, shoushtar Branch, Islamic azad university, shoushtar ,Iran

2Department of literature, shoushtar Branch, Islamic azad university, shoushtar ,Iran

Abstract

The verses of Safavid period is full of the Shi'ite elements. This period was a productive age for the religion of Shiism. The books of poems in this period subjected to some changes from the mental point of view, which among them we can point to the mental changes. The poets applied the Shi'ite elements in their poems by regarding to formalization of Shiism and use them as a tool for promoting the religion of Shiism to help the newly formalized religion of Shiism by composing the poem in this issue and stabilized their place in all over of Iran. Zolaliy Khansari was one of the poems who did this work well. He introduced Shiism, praised and lamented the Imams in his odes, compositions and Masnavi. The present study try to evaluate the situation of using the contexts of Shiism in Zolali's poem.

1-1 مقدمه

دوران صفویه یکی از دوره‌های خاص در تاریخ ایران است. این دوره به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران مانند سمبلی خودنمایی می‌کند و از دوره‌های دیگر متمایز می‌شود. پادشاهان صفوی در جاده پرپیچ و خم تاریخ ایران زمین موفق به تشکیل سلسله‌ای شدند که به نام صفویه نامگذاری شده است. اغلب محققان، پادشاهان صفویه را رهبران حکومتی سراسر ایران می‌شمارند که توانستند با درایت خاصی ایران را از حالت فروپاشیدگی درآورند.

شاه اسماعیل صفوی، مؤسس سلسله صفویه، در ابتدای قرن دهم هجری، تشیع را در ایران رسمی کرد.

خاندان صفویه به گذشته خود بسیار مباهات می‌کردند، آنان با شیوه‌های متعدد، از جمله شجره‌نامه‌هایی به احتمال قوی جعلی، سعی می‌کردند نسبت خود را به یکی از امامان معصوم برسانند.

از جمله شاعران این دوره زلالی خوانساری است. که این شاعر شیعه مذهب بوده و به شکل گسترده‌ای به مدح ائمه پرداخته است. این شاعر در بین مردم شاعر شناخته شده‌ای نیست. دیوان این شاعر که در سال 1385 توسط دکتر شفیع‌یون تصحیح شده مقدمه را برای معرفی او فراهم کرد بر دانش آموختگان ادبیات لازم است که به معرفی چهره‌های ادبی شعر فارسی بپردازند.

در ارتباط با موضوع «بررسی سیمای تشیع» در کتب گوناگون کارهای تحقیقاتی به صورت کتاب و مقاله منتشر شده است اما موضوع موردنظر را در دیوان زلالی خوانساری تاکنون کسی بررسی نکرده است.

این مقاله درصدد است تا گوشه‌ای از کمبودهای تحقیق در زمینه ادبیات آیینی را برطرف سازد.

2-1 شیعه

"شیعه در لغت به معنی پیروان و یاران و تابعان شخص معینی است و چون شیعیان به ولایت حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) و به پیروی از مکتب روحانی آن حضرت اعتقاد داشتند، از این جهت ایشان را شیعه‌ی علی (ع) یعنی پیروان علی (ع) گفته، که بعدها در اثر کثرت استعمال مصاف‌الیه، علی (ع) را از آخر آن حذف کردند و معروف به شیعه شدند." (مشکور، به نقل از طهماسبی، 1389: 141)

2-2 شیعه در زمان صفویه

شیعه علوی در طول هشت قرن تاریخ (تا زمان صفویه)، نه تنها یک نهضت انقلابی است و در برابر همه رژیم‌های استبدادی و طبقاتی خلافت اموی و عباسی و سلطنت غزنوی و تیموری و ایلخانی، که مذهب تسنن را مذهب رسمی خود ساخته بودند، جهادی مستمر در فکر و عمل بوده است، بلکه همچون یک حزب انقلابی مجهز، آگاه و دارای ایدئولوژی بسیار عمیق و روشن و شعارهای قاطع و صریح، و تشکیلات و انضباط دقیق و منظم، رهبری اکثر حرکت‌های آزادی‌خواه و عدالت-طلب توده‌های محروم و ستمدیده را به دست داشته و کانون خواستها و دردها و سرکشی‌های روشنفکران حق‌طلب و مردم عدالت‌دوست به شمار آمده است. (شریعتی، 1359: 8)

این سازمان متشکل حق‌جو که خود را با تمام نظام‌های آن روزگاران در تضاد و تعارض می‌دید، «اقلیتی بود محکوم و بی-قدرت که نمی‌توانست با آزادی به کربلا برود، نمی‌توانست نام حسین (ع) را بر زبان بیاورد و حتی نمی‌توانست اعمال مذهبی خودش را در معرض چشم‌ها انجام دهد، همیشه تحت تعقیب بود، همواره در شکنجه و زندان و پنهان در تقیه، و حالا (زمان صفویه) همان شیعه تبدیل شده به یک قدرت بزرگ حاکم بر کشور که بزرگ‌ترین نیروهای رسمی از او حمایت می‌کنند. حتی

قطبی که همیشه تشیع را می‌کوبید و هر کسی را به نام و جرم «محبت علی» دستگیر می‌کرد و شکنجه می‌داد و می‌کشت، حالا خودش را «کلب آستان رضا می‌داند». (همان، ص 37-38)

آن روز که شیعه حق نفس کشیدن و اظهار وجود نداشت و مبارزات شیعی در پس کوه‌ها و عمق جنگل‌ها مبارزات فکری و عملی خود را ادامه می‌دادند، بر زبان راندن نام علی (ع) یا دیگر ائمه شیعه، خود شهامتی عظیم و جسارتی گستاخانه لازم داشت و این کار از جمله شیوه‌های مبارزه بود که سردمداران ظلم به شدت از آن وحشت داشتند و برای جلوگیری از نفوذ و گسترش آن، تمام قوا و نیروی خود را به کار می‌گرفتند؛ اما پس از آنکه صفویه روی کار آمد و تشیع رسمی شد و تمرکز یافت و حاکمان «دین پناه» صفوی ترویج و تبلیغ آن را در رأس برنامه‌های خود قرار دادند، انتظار می‌رفت همه چیز در ادامه روند سابق، زمینه شکوفایی استعدادهای نهفته شیعه را در طول قرون متمادی فراهم سازد تمام امکانات در استخدام مذهب و مکتب درآید و انقلاب و تحولی بنیادین و اصولی در همه شئون سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و ... آن روزگار صورت گیرد و تأثیر مرام و مکتب شیعه وضع جامعه و فرهنگ و سنت و ... را دگرگون کند، ولی متأسفانه این مکتب انسان‌ساز و رهایی‌بخش که خون هزاران شهید چندین قرن متوالی را به عنوان یک پشتوانه عظیم به همراه داشت، در خدمت حاکمیت‌هایی قرار گرفت که گویی جز تحکیم مبانی ظلم و رواج فساد و بی‌بند و باری هدف و مقصود دیگری نداشتند. از این رو، تشیع اهرم قدرت و ابزار سلطنت پادشاهانی گردید که در طول 2/5 قرن حکومت مستبدانه و جابرانه و غیرمتعهد، سایه سنگین خویش را بر این مرز و بوم گسترده و آن چنان تخریبی در فرهنگ و مذهب و اجتماع ایجاد کردند که تا سال‌ها نسل‌های بعدی از آفت آن در امان نبودند.

خلاصه، تشیع در آن زمان خارج از یک ایدئولوژی بسیار قوی و مؤثر که توده مردم را علیه سنی‌ها در داخل و خارج مسلح می‌کرد، چیز دیگری نبود غیر از یک اسم رسمی که حمایت همه جانبه پادشاهان «دین پناه» برخوردار می‌شد؛ انعکاس این موضوع را در اشعار بسیاری از شعرای این دوره می‌توان مشاهده کرد.

در نزد طریق دل منم در به دری	در ششدر و حیرانی‌ام از بی‌خبری
نقشی که دوشش نشسته از من این است	کز جان و دلم شیعه اثنی عشری

(ظهیرا، به نقل از نصرآبادی، 1317: 170)

این نمونه‌ای است از هزاران بیت شعر در این عصر که در معرفی و شناخت شیعه چیزی فراتر ندارند و به صور گوناگون و اشکال رنگارنگ در دو اوین شعرای این دوره خودنمایی می‌کند.

در هر صورت با این کیفیت، تشیع همراه با پیدایش دولت صفویه در ایران پا گرفت و رسمی شد و با حمایت همه‌جانبه پادشاهان و حاکمان این سلسله به نحو بی‌سابقه‌ای رشد کرد و منتشر شد.

2-3 کیفیت شعر در دوره صفویه

با دگرگونی اوضاع سیاسی در اوایل قرن دهم و پیدایش حکومتی که حمایت از مذهب شیعه را اساس کارش قرار داده بود، انتظار می‌رفت که شعر در ادامه روند سابق گام‌های فراخ‌تری نسبت به گذشته بردارد و ابعاد وسیع و فصول غنی‌تری پیدا کند و شاعر شیعی مذهب این دوران با بهره‌مندی از تجارب گذشته و موقعیت جدید، که مانع از هرگونه محدودیتی بود، تحولی عمیق و ژرف را در پهنه ادبیات این مرز و بوم ایجاد کند و با این وسیله قوی، به تغییر و تحول فکر و اندیشه در جهات سیاسی، مذهبی، علمی، همت گمارد و خصوصاً در معرفی مکتب تشیع به عنوان یک منبع غنی، زنده، عمیق و حرکت آفرین تلاشی افزون‌تر گذشته را ثبت کند؛ ولی متأسفانه مطالعه آثار بازمانده از شعرای عهد صفوی، بیانگر چیزی غیر از این است و گونه‌ای دیگر را از آنچه در تصور داریم، در برابر ما قرار می‌دهد.

ادب دوستان و پژوهندگان شعر در گذشته و حال، دربارهٔ سقوط شعر و نزول کیفیت آن در این زمان، مطالب متنوعی را به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند که می‌تواند تا حدود زیادی نظر فوق را تأیید کند.

لطفعلی بیک آذر (م 1195 ق) صاحب تذکرهٔ معروف آتشکده آذر، دربارهٔ اشعار میرزا طاهر وحید از شعرای دورهٔ صفویه، گفته است: «نود هزار بیت از ایشان به نظر رسیده و به علت مناصب دیوانی، تحسین بسیار در هر شعر از شعرای زمان شنیده، به زغم فقیر اگر خوف منصوب نبود از هیچ کس تحسین نمی‌شوند. (بیک آذر، 1334)

شعرای این عصر با آنکه آثار فراوان و پرحجم دارند و برای خلق آن آثار زحماتی را متحمل شده‌اند، اما به جرئت تمام می‌توان گفت که آنها به غیر از هدر دادن استعدادهایشان، که بعضاً از مراتب خوب و والایی نیز برخوردار بود، کاری انجام ندادند؛ به طوری که تلاش شعرای این روزگار، با شیوه خاصی که داشتند، منجر به سیر نزولی شعر در این دوره گردید و نه تنها فرهنگ و تفکر شیعی نتوانست در آن تأثیر ملموس و مشهود بگذارد، بلکه از لحاظ شکل و قالب ظاهری هم که بر روی آن سرمایه‌گذاری شده بود، حد و کمال مطلوب را به دست نیآورد و از این جهت هم، در برابر اشعار محکم و استوار پیشینیان، برخلاف آنچه عده زیادی از آنها عقیده داشتند، از امتیاز خاصی برخوردار نگشت، چنانکه برخی از ایشان نیز خود به این بطالت اعتراف دارند، برای مثال: عرفی (م 1308 ق) از شعرای معروف این دوره صرف عمر خود در وادی شعر و شاعری را در باختگی عمر می‌داند و به مناسبت اشعاری که گم می‌کند می‌گوید:

عمر در شعر به سر کرده و در باختمام
عمر در باخته را بار دگر باختمام

(فراقی 1958:420)

2-4 بررسی تفکر شیعه در شعر دورهٔ صفویه

تفکر شیعه با تمام ابعاد گوناگونش فرصت پیدا نکرد در شعر این دوره حضور گسترده و مؤثر داشته باشد و در آثار سرایندگان شیعه مذهب این عصر، آن گونه که لازمهٔ مذهب و مرام اعتقادی آنهاست، اثرات چشمگیر و قابل توجهی برجای بگذارد.

قسمت عمدهٔ آثار به جا مانده از هر شاعر این دوره، غزلیات اوست که طبعاً از انواع علوم و فنون و تفکرات و تعهدات در قبال مسائل سیاسی، اجتماعی و به طور کلی مباحث فرهنگی به مقدار بسیار اندک بهره‌مند بود و به خصوص تأثیرات مذهبی و عقیدتی به مراتب در آنها کمتر تأثیر گذاشت. گاهی در پاره‌ای از اشعار به صورت بسیار نادر، اشاره به حدیث یا آیه‌ای شده و زمانی دیگر نامی از پیامبر (ص) یا یکی از ائمهٔ دین به میان آمده است. (طغیانی، 1385:154)

غالب موضوعات عرفانی به کار رفته در این غزلیات نیز تازه و نو نیست و در حقیقت اقتباسی است از گذشتگان، که البته گذشتگان به صورت‌های بهتر آنها را بیان کرده‌اند.

مثنوی‌های فراوان این دوره از این نظر وضع بهتری دارند، ولی این مثنوی‌ها آن‌طور که شایسته است از فرهنگ شیعه متأثر نگشته و اکثر آنها در پیروی از مثنوی سرایان بزرگ دوره‌های قبل، به خصوص حکیم نظامی گنجوی، سروده شده است. مقدمهٔ این مثنوی‌ها غالباً اشعاری است که در توحید و نعت پیامبر (ص) و یا ائمهٔ اثنی‌عشر (ع) است و اگر چه بیش و کم اشاراتی به آیات، احادیث و قصه‌های قرآنی در آنها هست، ولی هیچ نوع جنبهٔ ابتکاری را در آنها نمی‌توان دید و در واقع اکثر موضوعات، همان است که گذشتگان با ظاهر و باطن بهتر در کمال استادی خلق کرده‌اند. البته در بیشتر این مثنوی‌ها در مواضعی که مدح پیامبر (ص) آورده شده، ستایش علی (ع) و فرزندان آن بزرگوار نیز مطرح شده است که در مثنوی‌های بزرگان پیشین به این صورت سابقه ندارد. مدایح در این قسمت‌ها معمولاً در بیان فضایل و بزرگی‌هاست و از تفکر و بینش و اخلاق و اعمال آن بزرگان کمتر سخن به میان آمده است. (همان)

در ترکیب‌بندی‌هایی هم که بعضی از شعرا به تقلید از ترکیب‌بند مشهور محتشم (م 996 ق) در مرثیت سیدالشهداء (ع) سروده‌اند، همین روش دنبال شده است و اکثر این قبیل اشعار بر این اساس طراحی شده‌اند که واقعه عاشورا و شهادت آن

حضرت و عظمت مصیبت وارد شده بر اهل بیت (ع) به نحو پرشور و تأثر برانگیزی متجلی گردد، بدون اینکه به انگیزه‌های اساسی و اهداف حرکت‌آفرین آن واقعه عبرت‌آفرین توجه و عنایتی شده باشد. در اشعار شاعران این دوره، قصاید متعددی نیز وجود دارد که در مدح و منقبت امامان بزرگان مذهب شیعه اثنی‌عشری سروده شده که به لحاظ کثرت و تأثیر بیشتر نسبت به دیگر انواع شعر، قابل تأمل و ملاحظه است. (همان)

بیشتر دیوان‌ها و دفترهای شعر این دوره با قصیده یا قصایدی در مدح بزرگان دین شروع می‌شود و در میان این قصاید، مدح حضرت علی (ع) بیشتر از دیگران مورد توجه واقع شده است. در این قصاید هر جا سخنی از پیشوایان دین به میان آمده است، جز نام و بیان فضایل و شرح معجزات و پیروزی‌ها در جنگ با دشمنان، چیز دیگری یافت نمی‌شود. البته این تنها به قصاید مربوط نمی‌شود، در دیگر انواع شعر نیز وضع به همین منوال است و به طور کلی در هیچ دیوانی از شعر شعرای این دوره «شیعه» به مثابه یک مکتب کلامی یا فلسفی یا به عنوان یک بینش عقیدتی و یا مبارزاتی، حتی در مقابل مذهب اهل تسنن، که در آن روزگار نسبت به آن حساسیت نشان می‌دادند، مطرح نبوده است و اگر تأثیرات اندکی نیز در این مورد یافت شود، باید در حوزه مرائی و مناقب به دنبال آنها گشت (همان، ص 156).

2-5 سبک هندی

سبک هندی که قالب و چارچوب متداول شعر دوره صفویه است، از این رو به هندی معروف شده است که اکثر شاعرانش، تمام یا قسمتی از سال‌های شاعری خود را در سرزمین هند سپری کردند و شعر فارسی را در آن دیار رونق بخشیدند.

در دوره صفویه که بین ایران و هندوستان روابط بسیار خوبی برقرار بود و سلاطین هند نیز از نظم و نثر فارسی پشتیبانی می‌کردند، شعر و شاعری به زبان فارسی در آن ناحیه به شدت رواج گرفت و هندوستان به عنوان گرم‌ترین کانون شعرای پارسی زبان، مورد توجه گویندگان ایرانی قرار گرفت. در این مجمع، عموم شاعران از سبک خاصی پیروی می‌کردند که بعدها به «سبک هندی» معروف گشت.

مرحوم بهار درباره سبک هندی می‌نویسد:

شعر فارسی یکباره گویی با خواجه حافظ - علیه الرحمه - به بهشت رفت و بازنگشت و در فردوس برین با دری‌گویان بهشتی جای خوش کرد و سبک پیچیده و متصنع و بی‌روح که از عالم الفاظ فرومایه تجاوز نمی‌شود، شعر را از قصیده و غزل به حالت ابتذال افکند. (بهار: 186/31369)

در این شیوه دقت مضمون و بی‌اعتنایی به الفاظ و عدم توجه به حقایق و پرداختن به معانی و دقایق شعری، کاری کرده است که شما در قرائت دیوان یک شاعر به زحمت خواهید توانست محیط واقعی و حالات حقیقی وی و صفات راستین ممدوحان یا معشوقان او را به دست آورید، چه رسد به تأثیرات سیاسی، اجتماعی و به خصوص اعتقادی؛ زیرا همه جا ضرورت باریکی مضمون و تازگی معنی، مانع از بیان واقع شده است، در حالی که در شعر حافظ، سعدی، خاقانی، انوری، فردوسی، سنایی و امثال آنها، می‌توان زندگانی و چگونگی محیط عمومی و خصوصی آنها را به دست آورد. وقتی فرخی از معشوق خود حرف می‌زند، شما از تمام صفات او حتی از لاغری، فربهی یا خصوصیات دیگر او از روی واقع مطلع می‌شوید، یا اگر درباره ممدوح سخن می‌گوید تا حدی که ادب و ترس اجازه می‌داده است، اخلاق مختلف ممدوحان را می‌توان دید؛ ولی هر چه به شعرای مضمون‌ساز می‌رسید، این سادگی و راستگویی کم و کم‌تر می‌شود تا برسیم به مکتب هندی که از تمام یک دیوان طالب آملی و صائب تبریزی و وحید قزوینی و دیگران، جز صورت‌سازی‌ها و عشق‌های سطحی و الفاظ و مضامین و رقت و سوز چیزی دستگیرتان نمی‌شود.

(گلبن، 138-131/21351)

سخن پیچیده و ابهام‌آمیز و مخیل، هنر این دوره و تمام کلام سبک هندی است و مراد شاعر این سبک، چیزی جز دقیق‌اندیشی و مضمون‌یابی نیست. در این مکتب شعر بیشتر هدف است تا یک وسیله قوی. در واقع روال سبک هندی چیزی است که امروز «هنر برای هنر» نامیده می‌شود و شعر در این جهت برخلاف گذشته، حاصل برخورد شاعر با دنیای خارج خود نیست تا بتواند بازتابی از وقایع آن‌گونه که هست و رخ می‌دهد، باشد؛ بلکه همه چیز در خیال و ذهن دورپرداز شاعر صورت دگرگون شده می‌یابد و در تلفیق با احساسات شاعر، حالتی غیرواقعی به خود می‌گیرد. (طغیانی، 1385: 121)

غزلیات سبک هندی چنان بیان ثابت و یکنواختی دارد که هرگاه از صد شاعر این چهار قرن (دوره صفوی و افشاری) صد غزل اختیار کنیم و اشعاری را که اشاره به وقایع زمان یا تخلص گوینده دارد حذف کنیم، هیچ شعرشناس و صراف سخنی از روی سبک نمی‌تواند آنها را با تقریب بسیار به ترتیب تاریخی منظم نماید یا غزل یکی از شعرای زمان شاه اسماعیل صفوی را از غزل یکی از متغزلین عهد دیگر تمیز دهد. (براون، 1366: 171/41366)

غزلیات بیشترین آثار شعری این دوره را تشکیل می‌دهد، بعد از غزل، قصیده، مهم‌ترین قالب شعری است که مورد توجه شعرای این روزگار قرار داشته است. آنها قصیده را بیشتر برای امرار معاش و اظهار مهارت در شاعری می‌سرودند. (بیک آذر 1334: 887)

شاعرانی هم که در قصاید خود مدح ائمه (ع) و پیشوایان دین را مطرح می‌کردند، بیشتر در همان جهت قرار داشتند، اما ناگفته نماند که اعتقادات مذهبی و کسب ثواب اخروی نیز در پیدایش و رونق این گونه قصاید مؤثر بوده است. در این دوره تمام شاعران در قصاید یا انواع دیگر شعر، در مدح بزرگان دین، شعری دارند و چنین به نظر می‌رسد که آنها این کار را زکات طبع و قریحه خود به شمار می‌آورند و از گزاردن آن به عنوان یک وظیفه محتوم دینی غفلت نداشتند.

البته منقبت‌گویی را نباید ویژه عهد صفوی و یا ابتکار شاعران این دوره دانست؛ زیرا این کار سابقه طولانی در شعر فارسی دارد و به ویژه در سده‌های هشتم و نهم، که مصادف است با نیرو گرفتن مذهب شیعه اثنی‌عشری به شاعران متعدد منقبت‌گوی برمی‌خوریم. (صفا 1363/336، 186/4)

مثنوی سرایی هم در میان آثار پیروان سبک هندی در این دوره رونق فراوان گرفت.

2-6 معرفی زلالی خوانساری

زلالی خوانساری از جمله شاعران دوره صفویه است که به سبک هندی شعر می‌سرود وی علاوه بر قصاید و ترکیبات، هفت مثنوی سروده که به نام سبعه زلالی معروف است. در سال 1001 هـ. ق شروع کرد و سرانجام در سال 1024 موفق به اتمام آن گشته، اما توفیق تدوین و ترتیب نهایی آن را نیافته و در سن 50 سالگی دچار مرگ ناگهانی شده است. (شفیعیون، 1387: 15)

و سرانجام شیخ عبدالحسین کمره‌ای در هند با مشقت تمام و مقابله چندین نسخه‌ی، متعدد به ترتیب اشعار او و مشخصاً «محمود و ایاز» می‌پردازد. (نصرآبادی، 1378: 343)

زلالی خوانساری به گواه اشعارش، سخت دلبسته، زادگاه خود - خوانسار - بوده است وی با وجود علاقه شدید به موطن اصلی‌اش از همشهریان خود هیچ دل خوشی نداشته و در آثارش در کنار هم، به مدح شهر و قدح همشهریانش می‌پردازد.

زلالی برخلاف شیوه رایج شاعران روزگار، برای شاگردی در محضر استادان عصر خویش زانو نزده است و با اتکا بر قدرت طبع ذاتی و خودساختگی‌اش تنها به استادان قدیمی نظر ارادت داشته است.

به هر تقدیر، زلالی را براساس اشعارش و حکیم خواندندش از طرف دانشمندی چون میرداماد می‌توان جزو شاعران عالم در حوزه فلسفه، ریاضی، نجوم و به ویژه موسیقی دانست و تنها کسی که وی به حقیقت و از سر فخر دنیوی و اخروی بر آستانش جبین ارادت می‌نهد، همین حکم اشراقی مشرب - میرداماد - است، شخصی که بیشتر آثار زلالی به سفارش و تشویق وی و یا به نامش به وجود آمده است. (شفیعیون، 1387: 15)

البته نعت و منقبت شاه عباس صفوی جای خود را دارد چرا که وی علاوه بر درجه شاهی، مقام ولایی هم داشته و از سلاله پاک امامان و نیز حامیان اصلی ایشان به حساب می‌آمده است.

در شعر زلالی فقدان عواطف راستین و منسجم بیشتر از هر چیزی به چشم می‌خورد.

(زلالی خوانساری، 1384: 30)

وی در اشعارش از غلو و مبالغه بسیار استفاده کرده. رکن اساسی قوت شعر زلالی که باعث تمایز وی از اقران و هم‌روزگارانیش شده، استفاده هوشیارانه از تشبیه است.

غالب تشبیهات اشعار زلالی از نوع تشبیهات هر دو سو حسی است در شعر زلالی برجستگی هنری در همان مجاز استعاری است. (همان، ص 60)

همچنین در شعر وی، حیاتی‌ترین نقطه قوت و آفرینش هنری را استعاره مکنیه و تشخیص تشکیل می‌دهد.

زلالی از کنایه به دلیل بهره‌گیری از بیگانگی معنی استفاده مناسبی کرد.

در شعر وی ایهام، مراعات‌النظیر، تلمیح، تشخیص، حسن تعلیل و براءت استهلال جزو مهم‌ترین بدایع معنوی هستند. (شفیعیون، 1387: 48)

از لحاظ قدرت و زیبایی، قصاید زلالی به پای مثنویاتش نمی‌رسد اما بعضاً از نوع خوب قصاید سبک هندی به شمار می‌رود. آنچه به قصاید او ضربه زده به جز فضای انتزاعی - که خاص قصیده است - مدح‌های کلیشه‌ای او در باب امامان است به طوری که برای امامان پس از امام حسین نیز به توصیف مفصل غذا و صفات جنگاوری پرداخته که به دل هیچ شیعه عاقلی نمی‌نشیند علی‌الخصوص که تمام این توضیحات شبیه هم و قالبی است. (همان، ص 79)

در پاره‌ای از حکایت‌ها شاعر به گونه‌ای وقت و ذهن خود و مخاطبش را صرف ارائه تصویر می‌کند که در بیان اصل روایت ناچار می‌شود، با شتاب و خامی بگذرد، به گونه‌ای که خواننده متوجه پیام قصه نمی‌شود. پرداختن به نظم اشعار زیادی در جای جای مثنوی‌ها و قصایدش با شکل سوگندپردازی، سؤال و جواب و مناظره‌ای بی‌جذبه، همه و همه از ضعف‌های تأسف- بار اشعار این استاد خیال شیفته است.

(همان، ص 103)

3- مقدمه‌ای بر دوره صفویه و اشعار زلالی خوانساری

دوره صفویه از ادوار تأثیرگذار در عرصه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ایران است. در آن عصر با رواج تشیع و یکپارچگی ایران توسط خاندان صفوی، تحولات فراوانی در زمینه‌های متعدد به وقوع پیوست که شعر فارسی هم از این قاعده مستثنی نبود. شعر دوره صفویه به سبک هندی یا اصفهانی معروف است. سبک هندی در میان سبک‌های شعر فارسی از نظر فکری برای مذهبی تشیع بسیار قابل توجه و با اهمیت است زیرا در این دوره بود که خاندان صفوی تشیع را رسمی کردند و آن را رواج دادند. بعد از رواج تمام نهادهای اجتماعی تحت تأثیر آن قرار گرفت. شاهان صفوی با عدم علاقه به شعر عاشقانه، مدحی و عرفانی به رواج شعر آیینی پرداختند که این مسئله باعث شد برخی از شاعران این دوره به دلیل علاقه خاص به موضوع و برخی به سبب وظیفه‌ی حرفه‌ای خود به این موضوع بپردازند. شعر فارسی بخشی از فرهنگ مکتوب جامعه را تشکیل می‌دهد و خواه ناخواه تحت تأثیر این تغییر مذهب قرار گرفته است. شعر شاعران این دوره به سبب این تغییرات و همچنین سیاست خاص شاهان صفوی در رواج مذهب تشیع از لحاظ فکری تغییراتی کرد و کاربرد مضامین شیعی گسترش پیدا کرد مهم‌ترین قالب‌هایی که برای انعکاس اشعار آئینی و مذهب تشیع استفاده شده قصیده، ترکیب‌بند و مثنوی است، که در این میان قصیده بیشترین سهم را بر عهده دارد. و از غزل برای بیان مضامین شیعی و اشعار آئینی کمتر استفاده شده است. بازتاب سیمای ائمه در دوره صفویه در شعر شاعران سبک هندی پررنگ شده و همچنین کاربرد مضامین شیعی شاعران این دوره رواج پیدا کرد. برخی از شاعران با اطلاع و آگاهی کافی به مدح و مرثیه پرداخته و پرکارتر از بقیه می‌باشند از جمله شاعران معروف دوره صفویه و سبک هندی، زلالی خوانساری است که مضامین و مسائل مربوط به مذهب تشیع را در شعر خود به کار برده است و

به رواج این مذهب کمک کرده است و در اشعار متعددی به انعکاس ویژگی‌های ائمه پرداخته است. شاعر با این مضامین اندیشه خود را بیان کرده و از آنها برای مضمون‌پردازی و تصویرسازی نیز استفاده نموده است. زلالی خوانساری به زندگی ائمه اطهار کاملاً آشنایی داشته و مسلط به دوره‌های مختلف زندگانی آنها بوده است. بیشترین قصاید را در مدح حضرت علی (ع) سروده که مجموع ابیاتی که در مورد این امام سروده و در کلیات اشعارش موجود می‌باشد، 37 بیت است، همچنین 7 مثنوی در مورد حضرت علی (ع) دارد که مجموع ابیات آنها 142 بیت است. بلندترین قصیده او در مدح حضرت علی (ع) 78 بیت می‌باشد و کمترین قصاید را در مورد امام محمد تقی (ع) سروده است که یک قصیده 16 بیتی است. در مدح حضرت فاطمه 2 قصیده سروده که در مجموع 50 بیت می‌باشند. در مدح امام حسن 256 بیت در 10 قصیده سروده است. در مرثیه سید و سالار شهیدان، امام حسین (ع) 1 ترکیب‌بند 55 بیتی سروده، در مدح امام زین‌العابدین (ع) 204 بیت شعر در 12 قصیده سروده، در مدح امام محمد باقر (ع) 190 بیت شعر در 11 قصیده، در مدح امام جعفر صادق (ع) 173 بیت در 9 قصیده، در مدح حضرت امام موسی کاظم (ع) 105 بیت در 5 قصیده، در مدح علی ابن موسی الرضا (ع)، 43 بیت در 2 قصیده، در مدح امام محمد تقی (ع) 16 بیت در 1 قصیده و در نهایت در مدح حضرت امام محمد مهدی (عج) 1 قصیده 26 بیتی سروده است. لازم به ذکر است که زلالی خوانساری در مدح امام دهم و یازدهم قصیده‌ای ندارد و در مرثیه امام حسین نیز فقط یک ترکیب‌بند در دیوان او دیده می‌شود و این نشان می‌دهد که احتمالاً در این زمینه قصایدی داشته که از بین رفته‌اند. در این قسمت قصد داریم سیمای چندین امام را به طور خلاصه در اشعار زلالی خوانساری بیاوریم:

3-1 سیمای حضرت علی (ع) در اشعار زلالی خوانساری

آثار مدح حضرت علی (ع)

دل و دیده دشمنت راشکافم
به شمشیر مدح و به تیر مناقب
گشایم زجَنات بر دوستان
ره گشت لازم در سیر واجب

541-542 (زلالی خوانساری، 47:1384)

زلالی در این ابیات آثار مدح حضرت علی را بیان می‌کند و مدح آن حضرت را به شمشیری تشبیه می‌کند که بوسیله تیر منقبت و مدح دل و دیده دشمن را می‌شکافد

آیت خدا بودن حضرت علی (ع)

«أَئِمَّا آيَتٍ» به شأن خودت
هم نشان خدا، نشان خودت

288/241 (همان)

در این بیت حضرت علی (ع) را نشان و آیتی از خدا می‌داند.

لزوم توسل به حضرت علی (ع)

نظر هر که از علی دور است
گر بُود دیده یقین، کور است
هست در چاشنی گه افواه
لَدَت دین، علی وَلیُّ الله

287 / 232-233 (همان)

هر که زو بر کنار می‌آید
می‌رود تا رو مار می‌آید

287/237 (همان)

در این ابیات لزوم توسل به حضرت علی (ع) بیان می‌شود و اینکه عدم توسل به او باعث تار و مار شدن انسان می‌شود.

ارزش مدح حضرت علی(ع)

خضم افکنا! دلاور دنیا! غضنفر!

با رتبه‌ ثنایت از عرش برترم

43/473 (همان)

خامه‌ام در قلمرو مدحش

لشکر حُسن و پادشاست مزه

49/594 (همان)

در شکرریزی مدح تو زلالی تاحشر

طوطی‌اش را شکرستان سخن در قلم است

52/630 (همان)

شتر به زیر دُر مدح و حجره گنجورش

ز حجره و شتر حیدر سپاه شکن

55/663 (همان)

همیشه تا به شتر، حجره قبول دعا

شتر چو موج گهر، حجره است بحرسخن،

شتر زمدحت، دُر؛ حجره، موج گهر باد

شتر، نسیم خطایی و حجره، ناف ختن

56/673-674 (همان)

در این ابیات ارزش و رتبه‌ مدح حضرت علی (ع) را بیان می‌کند که هرکس حضرت علی را مدح کند رتبه‌اش از عرش نیز برتر و والاتر است.

رونق شیعه جعفری به خاطر امامت حضرت علی(ع)

از کف و پیشانی و زانو به هفت اقلیم مدح

می‌گشایم روی پنج آیینۀ اسکندری

بررخ مدح شهنشاه علی دستی که زد

سگه خاص نبی در نقد دین جعفری

60/728-729 (همان)

2-3 سیمای حضرت فاطمه (س) در اشعار زلالی خوانساری

آثار مدح حضرت فاطمه (س)

گشودن در صندوق‌های گوهر مدح

کلید توفیق آمد به کف زلالی را

28/298 (همان)

همیشه تا که نماید نقش، لوح و قلم

ز جزو سرّ ازل، نسخه‌های علمی را

خراج مدح توگیرم درون باغ ارم

زنسیه جایزه نقد وصل حوری را

29/314-315 (همان)

در ابیات بالا «مدح» به گوهری تشبیه شده که درون صندوق‌هایی نگهداری می‌شود و کلید توفیق گشودن آن به دست زلالی افتاده است و پاداش مدح حضرت فاطمه(س) رفتن به بهشت و همنشینی با حوریان است.

احسان اهل بیت حضرت فاطمه(س)

غیر از در احسان صلا داده آلت

داری است در هر که بُود لا و نعم را

27/288 (همان)

اختیارات حضرت فاطمه (س)

معاملات سراپردۀ قضا و قدر
سپرده‌اند به امرش امور کلی را
28/304(همان)

اعتبار حضرت فاطمه (س)
چنگی است دلم ، قبلۀ هفتاد و دو ملت
کآشوب دیار است عرب را و عجم را
27/285(همان)

تولی و تبری حضرت فاطمه (س)
خصمت همه را خون به رگ و ریشه تراود
رویندگی روین و سیلی بقم را
آمادۀ جاوید کند عیش مطیعت
خلوتگه احباب تو شد باغ ارم را
27/290-291(همان)

در ابیات بالا آثار تولی و تبری حضرت فاطمه را بیان می‌کند که دشمنان آن حضرت به خاک و خون خواهند نشست و هرکس حضرت فاطمه را دوست بدارد باغ بهشت خلوتگاه او خواهد شد.

شفاعت حضرت فاطمه (س)
تا آنکه رهد امتش از رهن ندامت
لطفش به گنه بیع کند رحم سلم را
تا خاص نسازند سراسیمه اعم را
26/281-282(همان)

شفیع روز جزا ، محض خیر خیرنسا
که مانده ماده‌اش از پردگی هیولی را
28/302(همان)

پی شفاعت وی ، خازنان رحمت حق
نموده‌اند مزین ، سرای عقبی را
28/305(همان)

در ابیات بالا در مورد شفاعت حضرت فاطمه (س) صحبت به میان می‌آورد و این مسئله را بیان می‌کند که سفرۀ شفاعت حضرت فاطمه (س) برای عامۀ مردم گسترده است و پس از شفاعت آن حضرت ملائک سرای آخرت را برای بندگان مزین می‌کنند.

عصمت حضرت فاطمه(س)
از نقش حجابی است دل هودج عصمت
کش حرمت ایزد شده در پرده حرم را
ناموس ازل خیر نسا همسر حیدر
کش داده خدا پردگی پشت و شکم را
26/278-279(همان)

در ابیات بالا عصمت «مشبه» به هودج «مشبه به» تشبیه شده که در این مصرع دل «اضافه استعاره مکنیه» است زیرا که هودج را دارای دل فرض کرده است و هودج عصمت نیز اضافه‌ی تشبیهی است و از حضرت فاطمه با عناوین «ناموس ازل» ، «خیر نسا» و «همسر حیدر» یاد شده است ، که در احادیث متعددی بر خیر النسا بودن حضرت فاطمه «س» تأکید شده است.

3-3 سیمای امام حسن (ع) در اشعار زلالی خوانساری
شباهت امام حسن(ع) به پیامبر اکرم (ص)

امام حسن علیه السلام از نظر آراستگی ظاهری و شرف و رفتار و منش شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم صلی‌الله بود؛ این را گروهی نقل کرده‌اند از جمله معمر به نقل از زهری از انس بن مالک روایت کرده است که می‌گوید: هیچ کس شبیه‌تر از حسن بن علی علیه السلام به پیامبر خدا نبود. (شیخ مفید، 1388: 309)

آثار و اهمیت مدح امام حسن (ع)

- تا که بالادست باشد در مدیحت شعر من
جز ید الله بر نیاید در مقام برتری
737 (زلالی خوانساری، 1384: 62)
- بر افسر مدح شه دین، گنج شکوفه
پاشید بسی دامن زر، سیم روان را
63/745 (همان)
- تا با دل خون گشته خود طبع زلالی
بیع سلم مدح کند نطق دهان را،
در راسته معنی و پس کوچه صورت
از جنس ثنای تودهد مایه دکان را
63/751-752 (همان)
- پی نفس خطبه خسرو دین مدحتم
کند بن سکه و پایه منبر شکست
77/912 (همان)
- خاطر من از مدحت، جرّم از رحمت
ساغر دیگر گرفت، توبه دیگر شکست
79/931 (همان)
- از اثر مدحت، لذت شیرین نمک
کآب ز در برگرفت، بر رخ شکر شکست
تا که حلاوت برد از سخنانم سپهر
کاغذ حلواگری از پی دفتر شکست
80/938-939 (همان)
- در این ابیات زلالی علت ارجحیت شعرش را بر شعر دیگر شاعران، مدح امام حسن (ع) می‌داند و فوائد مدح امام حسن (ع) را بیان می‌کند.

تولی و تبری امام حسن (ع)

- آنانکه دل ز مهرش اکسیر کرده‌اند
روحند و روح را غم محتاج تن نی‌اند
68/804 (همان)
- تا دشمنت به باد خزان داده فناست
اقوای نامیه، دم تقصیر زن نی‌اند
احباب را به خلد نظاره یکان یکان
جز چار چشم لاله به روی سمن نی‌اند
69/811-812 (همان)
- سر قطره همیشه تا زشیشه
«أنا الحق» گوید و غلطد به دامن،
سر دشمن به پای دوستان
لگدکوب تلافی دور از تن
73/867-868 (همان)
- برسر گشته احباب تو ای بحر کرم!

اجل نوسفِرِ کهنه حضر می‌زاید

ملک الموت بر اعدایت از پشت و شکم

903-904 / 77 (همان)

مهر به امام حسن (ع) دل را اکسیر و روح را بی‌نیاز از تن می‌کند و دشمنی با امام حسن (ع) انسان را به باد فنا می‌سپرد.

3-4 سیمای امام حسین (ع) در اشعار زلالی خوانساری

سقاوت امام حسین (ع)

- ابن عباس از پیامبر خدا (ص) :

اگر بردباری ، مردی بود ، به شکل علی بود و اگر عقل ، مردی بود ، به شکل حسن بود و اگر سخاوت ، مردی بود ، به شکل حسین بود.

(خطیب خوارزمی ، 1418، ج 1 : 60-محمّدی ری‌شهری ، 1390 : 146)

آرزوی زیارت مرقد امام حسین (ع)

سوی درت به دیده توفیق آمدن

هر نوع خواهیم به تمنای دل رسان

موقوف جذب کاهربای سرای توست

کز انتخاب عمر ، رضایم ، رضای توست

977-978 (زلالی خوانساری، 1384:83)

جایگاه رفیع امام حسین(ع)

صد آفتاب مغفرت از بهر ذره‌ای

فردا ز ایزد ار طلبم یک چراغ توست

95 / 85 (همان)

شدت جفا به امام حسین (ع)

آن دم که شمر ، مطلع دیوان خون شود

هر شرع را که محکمه این قضا دهند

در شرح این جفا که ستم معنی‌اش بُود

صد جای تا به گردن از این بار بشکند

ماتم کلاه گوشه مه بر زمین زند

خاصان انبیا را با جمله اولیا

آید اگر سعادت و خواهد برات لطف

گردید از این ستم که شد از خلق آشکار

مضمون بیت محکمه شرع چون شود ؟

اقلیم کفر و کشور دین سرنگون شود

دریای علم دررگ اندیشه خون شود

پشت فلک اگر کمر بیستون شود

تا پوستین مهر به تن واژگون شود

شرمندگی ز عذر شفاعت فزون شود

لطف خدای خصم درون و برون شود

بیزار از آفرینش خود آفریدگار

965 تا 958 / 82 (همان)

عظمت از خود گذشتگی امام حسین (ع)

ای سرو دین! بهشت برین کربلای توست

بر زیر خاک و روی زمین ای روان پاک !

خورشید رحمتی و برابر به ذره‌ای

تقدیر ایزدی خجل از خونبهای توست

دل پیشکار خون شدن تنگنای توست

اجر تو را تلافی لطف خدای توست

976 تا 83/974 (همان)

در بیت 974 سرو دین استعاره مصرحه از امام حسین(ع) است.

3-5 انتظار فرج امام محمد مهدی (عج)

هان ای زبور خوان سحر ، وقت گشت ، هان ! آن چشم چون پیاله پُر می به گردش آر	بسم اللهی به دیو فرو بستگان بخوان آن حلق چون صُراحی را بر غلغلی رسان (همان) 153 / 1728-1729
ای یکه تاز اردوی آدم تبار! هین از شهر بند غیب به هنگامه شهود دامان بُرقع از طرف چهره برفکن	وی فارس الحجاز براه عراق هان ! تیغ دو سر علم کن و دُلْدُل برون جهان دست کلیم را به دو زانو فرو نشان (همان) 154 / 1741 تا 1743

عناوینی که به امام محمد مهدی(عج) داده شده

هان ای زبور خوان سحر ، وقت گشت ، هان !	بسم اللهی به دیو فرو بستگان بخوان (همان) 153 / 1728
بلبل فراز منبر گلبن برآمده مهدی وقت ، هادی اسلام ، خضر شرع ای یکه تاز اردوی آدم تبار ! هین	در خطبه امام بحق ، صاحب الزمان موسی عصر وعیسی حال و دم امان وی فارس الحجاز براه عراق هان ! (همان) 154 / 1739 تا 1741

نجات بخش امام محمد مهدی (عج)

پیک چومن که در پس جانم عنان فکن و زابر ریزه ریزه و دریای سرنگون	در کعبه در مدینه روانی به تن رسان خونابه نجف به گل کربلا رسان (همان) 155 / 1749-1750
--	--

3-6 سیمای تشیع در اشعار زلالی خوانساری

انتخاب اسامی شیعی برای فرزندان

بسوز ای اولین سوز چراغم تو را اسمی که اکسیر سخن شد	به حرفم گوش واکن همچو داغم محمد اول و آخر حَسَن شد (همان) 860/6800-6801
دوم فرزندم ، ای سرجوش ادراک! تو را نامی که حُسن از سرگذشته	غرض‌های عَرَض را جوهر پاک محمد با حسین ترکیب گشته (همان) 861/6819-6820

زلالی خوانساری شیعه بوده و برای فرزندان خود نیز از اسامی شیعی همچون محمدحسن و محمد حسین استفاده کرده است.

پیوند دادن خود با ائمه

نمی از خامه اسیر اجل

اثری از زبان بوالقاسم

خلف صدق احمد مختار

جوهر تیغ حیدر کرار

ص: 872 (همان)

زلالی در ابیات بالا خود را به ائمه پیوند داده و بیان می‌دارد که او اثری از زبان پیامبر (ص) و جوهر شمشیر حضرت علی (ع) است.

تشویق فرزندان به تشیع

غنیم مشرکان حایضی باش

چراغ اعتقاد از شرع درگیر

دوم فرزندانم ، ای سر جوش ادراک !

تورا نامی که حسن از سر گذشته

زایمان در سواد نامه جاکن

به بوی شیعیگی مغز آشنا باش

که گیرد دست ، فردا این دو نامت

تو را کسب هنر ، لله باید

بود کسب هنر ، شب زنده‌داری

به رنگ جدّ و آبا رافضی باش

فروغ مذهب اثنی عشر گیر

غرض‌های عرض را جوهر پاک

محمد با حسین ترکیب گشته

به دین شیعه ، چشم و گوش واکن

گل تسیح خاک کربلا باش

سبو بر دوش کوثر ، رقص جامت

مکن عبیم که خاطرخواه شاید

نماز شیعه با سامان زاری

6825 تا 6817 / (861 همان)

در ابیات بالا زلالی خوانساری فرزندان خود را ترغیب به انتخاب مذهب تشیع و شیعه اثنی عشری کرده است.

در صفت عشق و قرار دادن آن با مضامین شیعی

عشق ، محراب حدود و قدم است

عشق را دین پیمبر گویند

چار تکبیر وجود وعدم است

عشق را ساقی کوثر گویند

263-345/262 (همان)

دعا برای شاه عباس با استفاده از عناصر شیعی

دولتش مستدام و باقی باد

حیدرش روز حشر ، ساقی باد

271 / 289 (همان)

زلالی خوانساری به دلیل شیعه بودنش در دعاها برای خود برای ممدوحین نیز از مضامین شیعی استفاده کرده است.

مدح شاه عباس با عناصر شیعی و نسبت دادن وی به حضرت علی (ع)

ای فلک چند مکرر گردم

بردم تیغ شهنشاه زخم

آن شهنشاه که عباس علی است

باش تا خون شوم و برگردم

رگ ماهی و بی ماه زخم

سر و سرکرده شیران یلی است

233 تا 231 / 343 (همان)

ته جرعه تبغ شاه عباس
مهر حیدر عظیم تربست

سرجوش ترین بحر الماس
برق تیغش یقین که تاجست

280-279 / 377 (همان)

زلالی برای مدح ممدوحین نیز از مضامین شیعی استفاده کرده و برای بیان عظمت ممدوحین ، آنها را به ائمه اطهار نسبت داده است.

4- نتیجه‌گیری

شعر دوره‌ی صفوی که به سبک هندی یا اصفهانی معروف است در میان سبک‌های چندگانه‌ی شعر فارسی از نظر فکری بیشترین نزدیکی را به مذهب تشیع دارد. و از نظر بررسی مضامین شیعی قابل توجه است. چون در این دوره خاندان صفوی تشیع را مذهب رسمی کشور کردند و به تبع نهادهای کشور را تحت تأثیر خود قرار داده. شاهان صفوی با عدم علاقه به شعر عاشقانه و مدحی و حتی عارفانه به رواج شعر آئینی پرداختند و این مسئله باعث توجه بسیار زیاد شاعران به ارائه و انعکاس موضوع‌ها و مضمون‌هایی شیعی در شعر شد. یکی از این شاعران معروف زلالی خوانساری است که در بین شعرای این سبک توجه خاصی به مذهب تشیع داشته است. اشعار او نشان می‌دهد که به علت تحصیلات این شاعر و همچنین محل جغرافیایی زندگی با اطلاع و دانش کافی به مدح و مرثیه‌ی ائمه پرداخته است. این شاعر با استفاده از مضامین شیعی به ارائه‌ی اندیشه خود پرداخته و برای مضمون پردازی و تصویرسازی‌های خویش از مذهب تشیع استفاده فراوان برده است. این شاعر بیشتری قصاید را در مدح امام علی (ع) دارد که حدود 370 بیت است. در مثنوی‌های خود نیز 7 قطعه در مدح آن امام سرود، که مجموع آن‌ها به 142 بیت می‌رسد. کم‌ترین قصیده‌ی او در مدح امام محمدتقی است که 16 بیت است از نکات قابل توجه در دیوان او این است که در مرثیه‌ی سالار شهیدان امام حسین فقط یک قصیده دارد که 55 بیت است. لازم به ذکر است که این شاعر در مدح امام دهم و یازدهم شعری ندارد. این شاید نشان از آن بدهد که قسمتی از دیوان شاعر از بین رفته است. این شاعر در مدح ممدوحین خود نیز از عناصر شیعی استفاده کرده است.

منابع:

- [1] براون، ادوارد. (1366). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه رشید یاسمی، تهران: ابن سینا و مروارید.
- [2] بهار، محمدتقی. (1369). سبک شناسی، تهران: امیرکبیر، ج 1.
- [3] بیک آذر، لطفعلی. (1334). آتشکده آذر، به تصحیح حسن سادات ناصری، تهران: ابن سینا و مروارید.
- [4] خطیب خوارزمی، موفق بن احمد، (1418)، مقتل الحسین علیه السلام، قم: انوار المهدی.
- [5] زلالی خوانساری. (1384)، کلیات زلالی خوانساری (سده یازدهم هجری قمری) تصحیح و تحقیق سعید شفیعیون، [6] شفیعیون، سعید. (1378)، زلالی خوانساری و سبک هندی، تهران: سخن.
- [7] شریعتی، علی. (1359). تشیع علوی و صفوی، قم: تشیع.
- [8] شیخ مفید، ارشاد. (1388). سیره ائمه اطهار علیهم اسلام، قم: سرور.
- [9] صفا، ذبیح الله. (1363). تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس، ج 4 و 5.
- [10] طغیانی، اسحاق. (1385)، «تفکر شیعه و شعر دوره صفویه»، اصفهان: دانشگاه اصفهان، فرهنگ هنر جمهوری اسلامی ایران.
- [11] طهماسبی، فریدون. (1389)، «تأثیر تشیع در شعر شاعران ایرانی دوره صفویه»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.
- [12] فراقی، میرعبدالرزاق. (1958). بهارستان سخن، مدارس.
- [13] گلبن، محمدتقی. (1351). بهار و ادب فارسی، تهران: فرانکلین و جیبی.
- [14] محمدی‌ری شهری، محمد. (1390). گزیده دانشنامه امام حسین، قم: دارالحدیث.
- [15] نصرآبادی، میرزا محمد طاهر. (1317). تذکره نصرآبادی، به کوشش وحید دستگردی، تهران: ارمغان و ابن سینا.
- [16] _____ (1378). تذکره نصرآبادی، تصحیح احمد مدقق یزدی، یزد: دانشگاه یزد